

فاطمه وزیری

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق خصوصی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

دکتر محمدرضا حاکاک زاده^۱

استادیار، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

مفهوم حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی در ایران

چکیده

در چند دهه اخیر عدم تکافوی منابع مالی، انسانی، طبیعی و فناورانه داخلی، بسیاری از کشورهای جهان را به جذب سرمایه‌گذاری خارجی ترغیب کرده است. امروزه عوامل جاذب بخش سرمایه‌گذاران خارج از یک کشور از اهم طرق رهیافت‌های عملیاتی در راستای نیل به مقصود عالی توسعه تمام عیار در آن کشور محسوب می‌شود. ویژگی چشمگیر اغلب کشورهای در حال توسعه که برای اجرای طرح‌ها و توسعه اقتصادی-صنعتی خود، در پی جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستند بر این گروه رهیافت‌ها و راهکارها بنا نهاده شده است. در این مقاله در پی آن هستیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که چه عواملی سبب جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بوده است؟ پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی بر این فرضیه بنا شده که فراهم آوردن بستر سیاسی، حقوقی و اقتصادی توسعه‌گرایانه سبب جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد و از طرفی دسترسی به منابع اولیه، دسترسی به بازار، افزایش کارایی و استفاده از دارایی‌های راهبردی از جمله علل و انگیزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ایران بوده است اما از طرف دیگر وجود بی‌ثباتی در فضای سیاسی و اقتصادی، فساد و ناکارآمدی اداری و نبود نظام منسجم حقوقی در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری حقوقی و پیچیده بودن آن از موانع جذب و عوامل دافع سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌گذاری خارجی، مفهوم حقوقی، ایران، جذب سرمایه‌گذاری

در اقتصاد جهانی امروز پیوستگی میان اقتصاد داخلی کشورها با اقتصاد بین‌المللی دارای اجزای درهم تنیده است که به ناگزیر متشکل از عوامل و متغیرهای متعددی است. عملیات سرمایه‌گذاری خارجی تحت تاثیر عنوان ابزارها و عوامل اجرای این سیاست کلی و مهم در کشور های سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر در تعامل با اقتصاد جهانی قرار دارد. انتقال دانش های فنی و مدیریت، سرمایه و مفاهیم تخصصی نوظهور در حوزه دانش تجارت جهانی و اقتصاد دارای نقش بسزا و تاثیرگذاری در این عرصه است. با این وصف علت تامه رقابت پذیری کشورها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی نمود عملیاتی پیدا می‌نماید.

کشور عزیزمان ایران در این زمینه به ایجاد گونه‌های مختلف در توجیه جذب سرمایه‌گذاران خارجی با توجه به تمامی ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه از طریق ارگان‌ها و نهادهای ذیربط به تدوین و اجرای سیاست‌های مشوق روی آورده است. بدرستی که دولتمردان کشور روشی صحیح را در آغاز حرکت نوین اقتصادی - صنعتی جهت ورود به عرصه رقابت با کشورهای همتای خارجی پیش رو گرفته است.

مطالعات نشان می‌دهد که انجام سرمایه‌گذاری خارجی به انحاء مختلف، بازتاب چشم‌گیری بر مسائل اقتصاد کلان کشور مانند کاهش بدهی دولت، رشد اقتصادی، ارتقای درآمد مالیاتی دولت، پایین آمدن نرخ ارز و نرخ بهره و غیره دارد. برای تحصیل سرمایه‌گذاری خارجی، صرف ایجاد یک یا چند عامل اکتفا نکرده و باید با این مهم به عنوان یک سبب عوامل و مجموعه‌های در هم تنیده از متغیرها برخورد کرد.

هدف از این پژوهش، شناسایی عوامل جاذب و دافع سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ایران است و همچنین روشن ساختن این موضوع است که فراهم آوردن بستر سیاسی، حقوقی و اقتصادی توسعه‌گرایانه سبب جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌گردد و از طرفی دسترسی به منابع اولیه، دسترسی به بازار، افزایش کارایی و استفاده از دارایی‌های راهبردی از جمله علل و انگیزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ایران بوده است اما از طرف دیگر وجود بی‌ثباتی در فضای سیاسی و اقتصادی، فساد و ناکارآمدی اداری و نبود نظام منسجم حقوقی در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری حقوقی و پیچیده بودن آن از موانع جذب و عوامل دافع سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد.

تاریخچه سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

تا زمان تصویب قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، روند سرمایه‌گذاری خارجی در نظام حقوقی و اقتصادی کشور، فراز و نشیب‌های زیادی را به خود دیده است. تا اوایل دهه ۱۳۳۰ قانونی که انحصاراً به مسئله سرمایه‌گذاری خارجی بپردازد وجود نداشت. در آن زمان ایران مستعمره هیچ دولت خارجی نبود لیکن به لحاظ ضعف شدید سیاسی تحت نفوذ انگلستان و روسیه قرار داشت (پیران، ۱۳۸۹: ۱۵۷). از خصیصه این دوره اعطای امتیازات انحصاری به اتباع دولت‌های بیگانه جهت دستیابی به اندوخته و سرمایه‌های کشور بوده است. و کشورها با بستن قراردادهای انحصاری و یک‌طرفه سعی در کسب سود حاصل از سرمایه‌گذاری در امکانات و مالکیت‌های عمومی دارد. در واقع می‌توان این دوره را، دوره قراردادهای استعماری (Colonial contracts) نامید (مهدوی، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

اما پس از آنکه قانون حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در ۷ آذرماه ۱۳۳۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید دوره جدیدی از سرمایه‌گذاری خارجی به وجود آمد. از زمان تصویب این قانون و با اتخاذ تدابیری در جهت امنیت سرمایه‌گذاری حجم سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ایران با رشد روبرو بوده است (کلانتری بنگر، ۱۳۸۳: ۸۰). این قانون به عنوان اولین قانون در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی محسوب می‌شد. با تصویب این قانون، دولت صراحتاً سرمایه‌گذاری خارجی را در کشور تجویز و از آن حمایت نمود. هدف از تصویب این قانون اعطای تسهیلات و تضمین‌های کافی و حمایت کامل از سرمایه‌گذاری خارجی بوده است (کلانتری بنگر، ۱۳۸۳: ۸۰). در این دوران، قوانین دیگری نیز به تصویب رسید که در برخی از مواد خود، امکان سرمایه‌گذاری خارجی را با رعایت تشریفات امکان‌پذیر می‌ساخت. از مهم‌ترین این قوانین می‌توان به قانون نظام پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۳۹، قانون بیمه مصوب ۱۳۵۱ و یا قانون هواپیمایی کشوری اشاره کرد (سلیمانی پویا، ۱۳۸۹: ۵۲).

اما بعد از انقلاب اسلامی به دلایلی چون مشخص نبودن محدوده مالکیت بخش خصوصی، وجود برخی موانع قانونی برای فعالیت سرمایه‌گذاری خارجی، وجود اختلاف نظر بین مسئولان و تصمیم‌گیرندگان و غیره موجب شد تا ورود سرمایه‌گذاری خارجی به شدت رو به تنزل گراید (کلانتری بنگر، پیشین: ۸۱-۸۰). اما در سال ۱۳۷۲ با تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی (Free trade-industrial zones)، حمایت‌های مطلوبی را برای سرمایه‌گذاری خارجی به‌طور صریح ولی در مناطق آزاد تجاری به وجود آورده است

(قامت، ۱۳۹۰: ۲۰۱). به موجب ماده ۸ این قانون، سازمان‌ها و شرکت‌های تابع آن مجاز شدند تا توافقات مربوطه را با اشخاص حقیقی و حقوقی در داخل و یا خارج از کشور منعقد نمایند (اخلاقی، ۱۳۷۹: ۱۷)، و با سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی با رعایت اصول قانون اساسی مشارکت نمایند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این قانون این است که سرمایه‌گذار خارجی علاوه بر بهره‌مندی از حمایت‌های قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی، از امتیازات و تسهیلات این قانون در صورت سرمایه‌گذاری برخوردار خواهد شد. در واقع می‌توان گفت شروع نقطه سرمایه‌گذاری خارجی بعد از انقلاب اسلامی است.

قانون مهم دیگری که در این دوره از سرمایه‌گذاری به تصویب رسید قانون اجازه ثبت شعبه و نمایندگی شرکت‌های خارجی بود که در سال ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به موجب این قانون، «شرکت‌های دارای تابعیت خارجی در کشور محل ثبت خود، بعنوان شخصیت حقوقی تابع قانون محل ثبت شناخته می‌شوند، و شناسایی مشروط به عمل متقابل از سوی کشور متبوع است، و تحت این شرط تقابل مجوز امکان فعالیت در زمینه‌هایی که توسط دولت ایران تعیین می‌شود در چارچوب قوانین و مقررات کشور به ثبت شعبه یا نمایندگی اعطا میگردد».

از رویدادهای دیگر قانونی در این دوره می‌توان به قانون الحاق دولت ایران به موافقت‌نامه ارتقا، حمایت و تضمین سرمایه‌گذاری فی‌مابین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در مجلس در سال ۱۳۷۳ اشاره کرد که امکان سرمایه‌گذاری خارجی را بین کشورهای عضو موافقت‌نامه فراهم می‌نماید.

در خصوص قانون اشکالات چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری می‌توان بیان نمود که این قانون محدوده کمی از قلمرو جغرافیایی را در برمی‌گرفت و جهت استفاده بهینه از تمام امکانات بالقوه کشور، برای جذب سرمایه‌گذاری عظیم شامل نمی‌گردید. به همین دلیل، برای ایجاد اطمینان بیشتر در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی ضرورت تصویب قانون جدیدی در مورد سرمایه‌گذاری خارجی احساس می‌شد. که این امر با تصویب قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۸۱ تا حدی تأمین گردید. در ماده ۸ این قانون ذکر گردید که سرمایه‌گذاری از کلیه حمایت‌های قانونی به‌طور یکسان با سرمایه داخلی برخوردار خواهد بود. در ماده ۱۹ قانون مذکور، اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری در ایران حل و فصل می‌شود

مگر اینکه مقررات دیگری در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری با دولت متبوع سرمایه‌گذار پیش‌بینی شده باشد.

از تحولات دیگری که در این قانون جدید مطرح گردید مربوط به اصل ۴۴ قانون اساسی بود که در سال ۱۳۸۴ به عمل آمد و در خصوص آزادسازی محیط اقتصادی کشور برای فعالیت‌های خصوصی است. این تحولات برای سرمایه‌گذاری خارجی دارای اهمیت است. بخش‌های بسیاری از اقتصاد ملی که از دسترس سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی دور بود، اکنون در معرض سرمایه‌گذاری و مالکیت قرار می‌گیرد (حاتمی و کریمیان، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

بررسی و تبیین مفهوم سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی مهم‌ترین موضوعی است که قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در راستای حمایت از آن تدوین شده است. بنابراین اینکه سرمایه خارجی شامل چه مواردی می‌گردد از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (جعفری لنگردی، ۱۳۸۶: ۲۱۶۳). فرهنگ لغت حقوق بین‌الملل؛ سرمایه‌گذاری خارجی را چنین تعریف کرده است: «انتقال وجوه یا مواد از یک کشور به کشور دیگر، جهت استفاده از تأسیسات یک بنگاه اقتصادی در کشور اخیر، در برابر مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در سود آن بنگاه چگونگی بهره‌گیری از این وجه در اداره یک بنگاه اقتصادی وجه تمایز سرمایه‌گذاری خارجی از تجارت خارجی محسوب می‌شود». از سری رویکردهای تأمین مالی به روش غیر استقراری روش سرمایه‌گذاری خارجی است. این رویکرد برخلاف تأمین مالی خارج در تراز مالی کشور مبدأ به عنوان بدهی محاسبه می‌گردد. از این رو بسیاری از کشورها رویکرد سرمایه‌گذاری خارجی را به عنوان منبعی مهم در توسعه اقتصادی ملحوظ کرده و برنامه‌های اقتصادی کشور را با رویکرد یادشده عملیاتی می‌نمایند. (Wafu, 1998: 3) سرمایه‌گذاری خارجی را از جهت بین‌المللی بدین گونه تعریف می‌کنند: «انتقال سرمایه از یک کشور به کشور دیگر برای مدت طولانی و در قبال تعهدات متقابل» (شاپیرا، ۱۳۷۱: ۱۷۱). در واقع برخی دیگر سرمایه‌گذاری خارجی را انتقال دارایی‌های قابل لمس و غیرقابل لمس از یک کشور به کشور دیگر باهدف استفاده از این دارایی‌ها در ایجاد ثروت، کنترل و اداره کلی یا جزئی مالک این دارایی‌ها می‌دانند. (sornarajah, 2010: 8) دیدگاه کلی نگر سرمایه‌گذاری خارجی را می‌توان به دو بخش منقسم نمود: بخش اول؛ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (Foreign Direct Investment) و بخش دوم؛ سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی (Indirect foreign investment)

بخش اول: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مبین رابطه دائم میان سرمایه‌گذار و سرمایه پذیراست، به ویژه فرصتی برای نفوذ واقعی بر اقدامات کشور میزبان توسط سرمایه‌گذار محسوب میشود (وافو، پیشین: ۳). کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD) U. N. Conference on Trade and Development «FDI را سرمایه‌ای دانسته است که متضمن تعریف و تحکیم مناسبات بلندمدت میان سرمایه‌گذار و سرمایه پذیر بوده و کنترل و منافع مستمر اشخاص حقیقی و یا حقوقی مقیم یک کشور در شرکتی خارج از موطن سرمایه‌گذار را به همراه دارد».

همچنین سازمان همکاری و توسعه اقتصادی-Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)، FDI را این‌گونه تعریف می‌کند: «سرمایه‌گذاری که باهدف ایجاد روابط اقتصادی مستمر و اعمال نفوذ مؤثر و مدیریت در موارد زیر صورت می‌گیرد؛ ۱- ایجاد یک شرکت با مالکیت کامل، تأسیس موسسه فرعی، تأسیس شعبه و تملک دارایی کامل یک شرکت موجود، ۲- مشارکت در یک شرکت جدید یا موجود» (Bradlow and Escher, 2000: 3).

بخش دوم: سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی یا سرمایه‌گذاری پورنفلویو (Foreign Indirect in Investment (Portfolio)) به آن دسته از سرمایه‌گذاری‌هایی اطلاق می‌شود که اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی به صورت خرید اوراق بهادار از یک موسسه یا شرکت مالی بدون آنکه مستقیماً در امر سرمایه‌گذاری شرکت نمایند، سرمایه خود را در اختیار کشور میزبان قرار می‌دهند. یکی از ایرادات اساسی این نوع سرمایه‌گذاری، سیال و فرار بودن و در نتیجه بی‌ثباتی آن است یعنی سرمایه‌گذار خارجی هر لحظه که اراده کند می‌تواند با فروش سهام یا اوراق بهادار، سرمایه خود را به کشور خود و یا کشور ثالث انتقال دهد و در شرایط رکود اقتصادی کشور سرمایه پذیر، با خارج کردن سرمایه از کشور باعث تشدید نابسامانی اقتصادی آن کشور خواهد شد (Thompson, 2002: 87).

در سرمایه‌گذاری پورنفلویو، سرمایه‌گذاری در پی سود کوتاه مدت، سود حاصل از خرید سهام به قیمت ارزان و فروش آن به قیمت بالاست و لذا درصدد به دست آوردن کنترل اداره یک شرکت و دخالت در تصمیم‌گیری‌ها نیست (همان، ۸۹).

در خصوص وجه تمایز این دو نوع سرمایه‌گذاری می‌توان بیان نمود که: کنترل شرکت و مدیریت و اداره موضوع سرمایه‌گذاری شرکت توسط سرمایه‌گذار خارجی و مسئولیت وی در مقابل خطرات ناشی از انجام چنین سرمایه‌گذاری وجه ممیزه سرمایه‌گذاری مستقیم با غیرمستقیم است. در واقع آن چیزی که این دو نوع سرمایه‌گذاری را از هم متمایز می‌نماید مدیریت شرکت از مالکیت سهام آن است (رشیدی، ۱۳۷۵: ۲۵). در سرمایه‌گذاری مستقیم، هم ریسک مدیریت و کنترل وجود دارد و هم ریسک مالی، اما در سرمایه‌گذاری غیرمستقیم تنها ریسک مالی وجود دارد (شهبازی، ۱۳۸۱: ۱۰).

انواع سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از موضوعات حقوق بین‌الملل است. در یک تقسیم‌بندی می‌توان سرمایه‌گذاری خارجی را به دو دسته تقسیم نمود:

۱- از نظر دخالت یا عدم دخالت نهادهای عمومی؛ ۲- از نظر میزان کنترل و مدیریت سرمایه‌گذار خارجی.

سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی نیز به دو دسته قابل تقسیم است:

- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
- سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی.

۱- از نظر دخالت یا عدم دخالت نهادهای عمومی

الف) سرمایه‌گذاری عمومی خارجی:

سرمایه‌گذاری عمومی به سرمایه‌گذاری‌هایی گفته می‌شود که به وسیله دولت‌ها انجام می‌گیرد. در کنار سرمایه‌گذاری دولت‌ها، سازمان‌هایی در سطح بین‌الملل وجود دارند که با توجه به هدفی که دنبال می‌کنند سرمایه لازم را در اختیار کشورهای عضو قرار می‌دهند (شاپیرا، پیشین: ۱۷۱).

ب) سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی:

از جمله منابع مهم برای سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه خصوصی محسوب می‌شود (سپهری یگانه، ۱۳۸۸: ۸۹-۸۸).

۲- از نظر میزان کنترل و مدیریت سرمایه‌گذاری خارجی

الف) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی فرآیندی است که از طریق آن اتباع یک کشور مالکیت اموال را به منظور کنترل بر تولید، توزیع و سایر فعالیت‌های

یک شرکت در کشور دیگری به دست می‌آورند (1: Moosa, 2002). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وسیله‌ای است برای دستیابی به بازارهای جدید، نیروی کار ارزان‌تر و منابع طبیعی موجود در کشور میزبان. از ویژگی‌های عمده این نوع سرمایه‌گذاری، عامل پایدار مدیریت و کنترل سرمایه‌گذار بر عملیات سرمایه‌پذیری است.

ب) سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی: در این نوع سرمایه‌گذاری‌ها، سرمایه‌گذار معمولاً در پی به دست آوردن کنترل اداره یک شرکت و یا دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت یک واحد به طور مستقیم نیست، هرچند در مواردی یک سرمایه‌گذار ممکن است خواهان اکثریت سهام یک شرکت باشد و قیمتی را برای خرید سهام و اوراق بهادار آن پیشنهاد کند که سهامداران موجود را به فروش ترغیب نماید. ولی در سرمایه‌گذاری‌های غیرمستقیم و از طریق خرید اوراق بهادار در بورس، معمولاً چنین هدفی دنبال نمی‌گردد (سپهری یگانه، پیشین: ۱۰۱).

علل و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی

از دیدگاه دانیگ، انگیزه برای سرمایه‌گذاری خارجی را می‌توان در موارد زیر دانست:

۱- جهت دسترسی به منابع اولیه

گاهی کشور سرمایه‌گذار به منظور نیل به منابع سرمایه‌ای که کشور متبوع ایشان فاقد آن منابع است و یا حسب سیاست‌های کلی اقتصادی از آن بهره‌برداری نمی‌نماید، اقدام به مورد هدف قراردادن منابع اولیه در کشور سرمایه‌پذیر می‌نماید. سه نوع سرمایه‌گذاری خارجی را به منظور دسترسی به منابع اولیه شناسایی و مورد تعریف قرار گرفته است. نوع اول آن شامل سرمایه‌گذاری‌هایی است که در جستجوی منابع فیزیکی هستند. دسته دوم شرکت‌هایی هستند که به دنبال نیروی کار نیمه‌ماهر یا غیر ماهر کم‌هزینه می‌باشند. و سومین دسته نیز، سرمایه‌گذاری باهدف کسب دانش، قابلیت‌ها و تجارب در زمینه‌هایی از جمله بازاریابی، مدیریت و توسعه و به‌کارگیری فناوری است (داوودی، ۱۳۸۳: ۴۳).

۲- جهت دسترسی به بازار

دانیگ دلایل این نوع سرمایه‌گذاری را به چهار دسته تقسیم نموده است: اولین نوع آن توسط مشتریانی که تسهیلات تولید داخلی را راه‌اندازی می‌نمایند، دومین نوع سرمایه‌گذاری به منظور دسترسی به بازار با نیاز به تطبیق محصول با سلايق محلی تعریف شده است و در سومین دلیل هزینه‌های بالای حمل‌ونقل و تعرفه تبیین شده توسط دولت و سایر موانع ایجادشده توسط دولت است (جمالی، ۱۳۹۴: ۷۰). دلیل چهارم نیز این است که ممکن است

یک شرکت حضور در بازاری را که توسط رقبایش تحمیل می‌شود، ضروری بدانند، چراکه با ورود خود به بازار باعث کاهش قیمت گردیده و تأثیر این کاهش قیمت، بیشتر از تأثیر آن بر خود شرکت خواهد بود.

۳- جهت افزایش کارایی

از جمله اسباب تحریک این نوع سرمایه‌گذاری، عقلایی کردن سرمایه‌گذاری خارجی به منظور دسترسی به بازار و منابع است. در این نوع سرمایه‌گذاری، تولید در مکان‌های محدود متمرکز می‌گردد. دانینگ دو نوع سرمایه‌گذاری خارجی را به منظور افزایش کارایی شناسایی نموده است. نوع اول آن درصدد سود بردن از هزینه‌های عوامل متفاوت در کشورهای مختلف است و نوع دوم آن در کشورهایی با ساختار اقتصادی مشابه و باهدف سود بردن از اقتصاد مقیاس، اقتصاد دامنه و قابلیت تأمین مختلف اتفاق می‌افتد (شاوردی، ۱۳۸۵: ۴۵).

۴- جهت استفاده از دارایی‌های استراتژیک

این نوع سرمایه‌گذاری خارجی درصدد حفظ یا بهبود رقابت‌پذیری بین‌المللی شرکت سرمایه‌گذاری است. این هدف از طریق بهره‌برداری از مزایای هزینه‌ای یا بازاریابی خاص حاصل می‌شود اما اغلب درصدد کسب دارایی‌های شرکت‌های خارجی باهدف تقویت موقعیت رقابتی است (نیلی، ۱۳۸۲: ۴۳).

عوامل تأثیرگذار بر جذب و عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی

۱- عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی

حجم سرمایه‌گذاری خارجی صرف‌نظر از اثر مثبت و منفی متغیرها، از عواملی مانند ناپایداری سیاسی و اقتصادی، میزان سودآوری، درآمد ملی کشور میزبان متأثر می‌شود (هژبر کیانی، ۱۳۸۵). بر همین اساس عوامل مؤثر بدین گونه قابل تقسیم‌بندی است. این عوامل بسته به نظر سرمایه‌گذاران خارجی مختلف و اولویت‌های سرمایه‌گذاری و اهداف آن‌ها و سیاست‌های کشورها در آن‌ها تغییر می‌کند و اگر بخواهیم به عوامل اصلی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی بپردازیم می‌توانیم آن‌ها را به عوامل اقتصادی، سیاسی، ساختاری-تشیقی و درنهایت عوامل جغرافیایی تقسیم‌بندی نمود.

الف) عوامل اقتصادی

از عوامل مؤثر اقتصادی بر سرمایه‌گذاری خارجی، وضعیت بازار کشور میزبان است. شرکت‌های فراملیتی در استراتژی‌های خود به دنبال این هستند تا در بازارهای هدف خود سرمایه‌گذاری

کرده و در همان بازارهای نزدیک به آن‌ها محصول خود را عرضه کنند. بر همین اساس بزرگ بودن بازار کشور میزبان سرمایه‌گذاری و رقابتی بودن آن در انجام سرمایه‌گذاری خارجی در آن کشور اهمیت زیادی دارد. از دیگر عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری خارجی، میزان باز بودن سیاست‌های اقتصادی و آزادسازی تجاری و اقتصادی است. که معمولاً این درجه به واسطه شاخص نسبت به تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود (زهی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۵۲).

خصوصی‌سازی و یا واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی نیز می‌تواند تأثیر زیادی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشد. و سرمایه‌گذاران خارجی اغلب تمایل دارند با بخش خصوصی و نه دولتی کار و فعالیت اقتصادی انجام دهند (قاسمی، ۱۳۸۶: ۹۱). با توجه به مطالب مذکور می‌توان بیان نمود که هرچه رشد و توسعه اقتصادی کشور میزبان بیشتر باشد، میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز افزایش می‌یابد (هادی زنوز، ۱۳۷۹: ۲-۱).

موارد دیگری که می‌توان در زمینه اقتصادی برای جذب سرمایه‌گذاری نام برد، امنیت و ثبات اقتصادی است. تأمین امنیت سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از ابعاد امنیت اقتصادی ضمن اینکه می‌تواند سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی را تشویق کند، فضای سرمایه‌گذاری را برای سرمایه‌گذاران خارجی امن‌تر و جذاب‌تر نموده و می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر جذب سرمایه‌های خارجی داشته باشد (پورسعید، ۱۳۸۰: ۴۶). یافته‌ها نشان می‌دهد که ظرفیت یک کشور برای جذب مزیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی به وضعیت داخلی کشور میزبان مانند توسعه بازار مالی کشور میزبان یا سطح آموزش بستگی دارد (خلیلی عراقی، ۱۳۹۳: ۲۷).

ب) عوامل سیاسی

در خصوص عوامل سیاسی می‌توان بیان نمود که به دلیل اینکه در ارتباط با کسب قدرت بوده و مسائل اقتصادی در اولویت نیست، برای سرمایه‌گذاران خارجی بسیار نگران‌کننده است. از عوامل سیاسی می‌توان به ثبات سیاسی و اجتماعی، ساختار سیاسی جامعه، رابطه بین گروه‌های سیاسی و اقتصادی، رقابت سیاسی بین احزاب و جناح‌های مختلف، قدرت دولت و نحوه تصمیم‌گیری اشاره نمود (همان، ۲۹).

ج) عوامل ساختاری، تشویقی و حمایتی

ساختار و نظام حقوقی و قضایی، انعقاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، ساختار سیاست‌گذاری کشور، عوامل تسهیل‌کننده و حمایتی سرمایه‌گذاری و خدمات بعدازآن، زیرساخت‌ها و تسهیلات موجود در این زمینه، نظام بیمه‌ای و کاری کشور میزبان، وضعیت حقوق مالکیت

معنوی، پوشش سرمایه‌گذاری، ساختار دیوان‌سالاری و سیستم اداری، ارائه مشوق‌های لازم به سرمایه‌گذاران خارجی از جمله عوامل ساختاری، تشویقی و حمایتی است که در ذیل به ارائه آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۱- ساختار و نظام حقوقی و قضایی:

ساختار و نظام حقوقی و قضایی کشور میزبان و جایگاهی که سرمایه‌گذاران خارجی در آن دارند از جمله عوامل مؤثر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. بنابراین می‌توان گفت پیش-بینی مالکیت اتباع خارجی، نحوه ثبت شرکت و مالکیت آن توسط اتباع خارجی در ساختار حقوقی-قضایی کشورهای میزبان در جذب سرمایه‌گذاری خارجی مؤثر است (عمادزاده، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

۲- انعقاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی:

انعقاد موافقت‌نامه‌های دوجانبه و یا چندجانبه حمایت از سرمایه‌گذاری، موافقت‌نامه‌هایی که جهت اجتناب از اخذ مالیات مضاعف است و غیره از جمله ابزارهای تشویقی و حمایتی بسیار مهم جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی به حساب می‌آیند (جمالی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۲۴).

۳- ساختار سیاست‌گذاری کشور:

ساختار سیاست‌گذاری کشور میزبان در زمینه اقتصادی، وجود استراتژی جامع سرمایه‌گذاری و توجه ویژه به سرمایه‌گذاری‌های خارجی که در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی است از جمله عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی است.

۴- عوامل تسهیل‌کننده و حمایتی سرمایه‌گذاری:

این امر هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه جزء مهمی از فعالیت‌های تشویق و ترویج سرمایه‌گذاری است. این مورد اگرچه در ابتدا مورد قبول و استقبال سرمایه‌گذاران بود اما بعدها به دلیل موانعی که در روند اداری آن وجود داشت موجب گردید که الزاماً به سرمایه‌گذاری خارجی منجر نشود (هادی زنوز، پیشین: ۹۸-۹۷).

۵- زیرساخت‌ها و تسهیلات موجود آن:

از جمله تسهیلات زیرساختی می‌توان به وجود زیرساخت‌های اقتصادی گسترده نظیر جاده‌ها، بندرها و حمل‌ونقل پیشرفته و مناسب، مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی و ... نام برد. تسهیلات مذکور برای شرکت‌های خارجی که جزئی از سیستم‌های به‌موقع هستند بسیار مهم است (همان، ۱۱۶).

۶- وضعیت حقوقی مالکیت معنوی (Intellectual Property) :

سرمایه‌گذاران خارجی علی‌الخصوص شرکت‌های فراملیتی دارای نام و علائم تجاری هستند و معمولاً از این حق خود در سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها استفاده می‌کنند. این در حالی است که در برخی از کشورها حقوق مالکیت معنوی به رسمیت شناخته نشده و از حمایت لازم برخوردار نیست. به همین دلیل امکان سوءاستفاده از مالکیت معنوی وجود دارد. لذا این مورد در کشور میزبان به عنوان یک عامل در جذب سرمایه‌گذاری خارجی مؤثر است.

۷- تضمین سرمایه‌گذاری:

از دیگر عوامل برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، میزان پوشش و تضمین سرمایه‌گذاری خارجی است (بامری، ۱۳۹۷: ۵۹). سه دسته ریسک اساسی و مهم در اقتصاد ایران تأثیرگذار است. ریسک‌های تجاری، قانونی و سیاسی در ادامه ارائه شده است.

ریسک‌های تجاری:

الف) در اولویت بودن تأمین مالی از طرف بانک‌ها (درحالی‌که بانک‌های ایرانی خود در حال صرف منابع موجود در بنگاه‌های زیرمجموعه خود هستند) ؛

۱. کمبود توان دولت در زمینه‌ی رفع مشکلات زیرساختی.
۲. عدم عضویت ایران در پیمان‌های تجارت جهانی و عدم وجود قراردادهای قطعی به منظور صادرات در بازارهای جهانی مقصد.
۳. عدم وجود تضامین بانکی برای سود سرمایه.
۴. عدم ارائه‌ی تبلیغ کارآمد و همگام نبودن تبلیغات برای شناسایی توانمندی‌های ایران به منظور سرمایه‌گذاری.
۵. عدم شفافیت در صورت‌های مالی.
۶. عدم اقبال به رفع موانع موجود برای صادرات و توسعه‌ی زیرساخت‌های لازم.
۷. عدم ثبات نرخ ارز و وجود جهش‌های ارزی.
۸. عدم وجود تفکر مثبت به همکاری با خارجی‌ها و وجود بی‌اعتمادی .
۹. عدم قطعیت در ارائه‌ی بودجه‌ی مصوب دولت برای فعالیت‌های عمرانی.

ریسک‌های قانونی و اداری:

۱. عدم دسترسی آسان به ویزای ایران و به تبع آن سرمایه‌گذاری، خرید ملک‌های مسکونی و زمین‌های کشاورزی.

۲. وجود رتبه‌ی پایین ایران در شاخص احساس فساد.
۳. عدم وجود بیمه‌های خارجی و تفاوت‌های ساختاری بین بیمه‌گذار ایرانی و خارجی.
۴. وجود روابط غیررسمی در نظام بروکراسی و عدم هماهنگی این قوانین با فرایند شرکت‌های خارجی.

ریسک‌های سیاسی:

(الف) ریسک بازگشت تحریم‌ها.

۱. تحریم شدن شرکای ایران در منطقه وجود تحریم.
۲. وجود مشکلات اعمال محدودیت امریکا برای خدمات بانکی و صدور ویزا.
۳. اقدامات تحریک‌آمیز و خودسرانه‌ی رژیم‌های سعودی و صهیونیستی.
۴. عدم ثبات به همکاری با شرکت‌های خارجی پیشین به فراخور روی کارآمد دولت‌های جدید.

۸- ساختار دیوان‌سالاری و سیستم اداری:

وجود نهاد و دستگاه متولی و حامی سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان و جایگاه و توان آن در پیگیری و مساعدت به سرمایه‌گذاران خارجی نیز بر تصمیم سرمایه‌گذاران خارجی و تشویق آن‌ها به سرمایه‌گذاری در کشور میزبان مؤثر است. لذا وجود دیوان‌سالاری و وجود نهاد متولی سرمایه‌گذاری خارجی در کشور میزبان بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی تأثیرگذار است (موسسه تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۳: ۳۲).

(د) عوامل جغرافیایی و طبیعی

عوامل جغرافیایی کشور میزبان در جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسیار مؤثر است. این عامل را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

عوامل جغرافیایی؛ وضعیت آب و هوایی، پستی و بلندی‌ها، مسائل جمعیتی، موقعیت دسترسی به بازار دیگر کشورها و موقعیت دسترسی به گذرگاه‌های تجاری و دریاهای بین‌المللی برای سرمایه‌گذارانی که در کشور میزبان قصد سرمایه‌گذاری دارند بسیار مؤثر است. عوامل طبیعی؛ منابع ازمهم‌ترین عوامل جذب سرمایه‌گذار در یک کشور است (زهی و دیگران، پیشین: ۲۵۱).

منابع و سرمایه انسانی؛ در کشورهای در حال توسعه مواردی چون توسعه منابع انسانی با وجود نیروی کار متخصص، ماهر و ارزان از مهم‌ترین عوامل جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی است (موسسه تدبیر اقتصاد، پیشین: ۲۲).

۲- عوامل مؤثر بر عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی

از دلایلی که می‌توان برای این امر برشمرد دخالت دولت در اقتصاد کشور است. دولت‌ها باید این اختیارات را به بخش خصوصی انتقال دهند. نداشتن ساختار مناسب اقتصادی نیز عامل دیگری برای عدم جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. اکثر قوانین و مقررات اقتصادی و مالی دارای پیچیدگی‌هایی هستند که همین امر منجر به عدم ثبات قوانین می‌شود و در نهایت مانع سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود.

بسته بودن اقتصاد ایران نیز از دیگر مشکلات موجود است. و مطالعاتی که بر این مبنا قرار گرفته نشان‌دهنده آن است که هرچه اقتصاد بسته‌تر باشد، فضای رقابت نیز از بین می‌رود و هرچه رقابت کمتر باشد قدرت جذب سرمایه کاهش می‌یابد. سیاست‌گذاری‌های اقتصادی باید با پژوهش و اجرا همراه باشد یعنی اینکه در ابتدا سیاست‌گذاری باید مبتنی بر پژوهش اقتصادی باشد. و ارتباط سیاست‌گذاری اقتصادی با مجریان اقتصادی به عنوان فعالان اقتصادی در بخش خصوصی و تعاونی نیز تأمین شود.

از دیگر دلایل می‌توان به ورشکستگی و افزایش بدهی‌های تولیدکنندگان کشور اشاره کرد چراکه با توجه به تورم و ورشکستگی نمی‌توان انتظار کاهش نرخ سود بانکی را داشت و از سوی دیگر تورم‌های مزمن، برنامه‌ریزی در خصوص تولید و سرمایه‌گذاری را نامطمئن می‌سازد. از عوامل سیاسی و تحریم اقتصادی علیه ایران نیز می‌توان به عنوان علتی جهت کاهش جذب سرمایه‌های خارجی نام برد. در واقع این تحریم‌ها خود باعث افزایش ریسک سرمایه‌گذاری هم برای خارجیان و هم برای سرمایه‌گذاران داخلی است. اما در پایان بحث پیشنهادی که در خصوص جذب سرمایه‌های خارجی مطرح می‌گردد این است که:

الف) سیاست باید به‌گونه‌ای تنظیم شود تا امکان حضور مؤثر در چارچوب کارکردهای بخش خصوصی در عرصه اقتصادی فراهم شود؛

ب) برای حل مشکل اشتغال نیز باید از حداکثر ظرفیت‌های تولید استفاده کرد که این هدف با بهره‌گیری از مزیت‌های کشور به ویژه منابع نفت و گاز، موقعیت جغرافیایی، داشتن نیروهای تحصیل کرده امکان‌پذیر است؛

ج) پشتیبانی قانون و حقوقی از بخش خصوصی برای یافتن شریک خارجی؛
د) خصوصی سازی و گسترش بازار سرمایه و واگذاری بنگاه های کوچک و متوسط متعلق به دولت به مردم از طریق بازار بورس؛ ه) حمایت جدی از فعالان بخش خصوصی در زمینه گردشگری از جمله گردشگری فرهنگی؛
و) تقویت نیروی انسانی و سازمان دهی شبکه بانکی کشور به منظور دستیابی به استانداردهای جهانی مرتبط با فعالیت ها و خدمات سیستم بانکی.

نتیجه گیری

با توجه به نقش خطیر تاثیر عملیات جذب سرمایه از خارج از کشور با نظر به حوزه روابط سیاسی و اقتصادی بین الملل و خصوصا شرایط خاص اقتصادی کشور عزیزمان در حوزه بین الملل تدوین استراتژی توسعه اقتصاد و تجارت داخلی مستلزم تعریف سیاستهای متغیر و انعطاف پذیر و مانا است. وضوح فقدان کارایی سیاستهای یک جانبه در کشورها بدون در نظر گرفتن نقش و مشارکت فعال سایر کشورها در حوزه اقتصاد بر همگان واضح و مبرهن است. از این رو کشورهای در حال توسعه با توجه به ظرفیتهای بالای منابع اولیه و سطح دسترسی به بازارهای بکر اقدام به گشایش طرق فعال مشوق در جذب سرمایه و متغیرهای زمانی انعطاف پذیر جهت بهره بردار و سرمایه گذار نموده اند. رقابت در صادرات محصولات با جذب سرمایه گذاری در صنایع تبدیلی و خروج از خام فروشی به سمت برندینگ و تثبیت نام و شهرت تجاری بنام کشورهای مبدا راهگشای ورود به عرصه رقابت بی بدیل جهانی است. گرچه سود عمده ای حاصل از مشارکت در دوره مربوط به خارج از کشور سرازیر میشود. لکن جای نگرانی به جهت خروج ارز بدلیل اجرای سیاستهای مادر جایگزین در صنایع تبدیلی و توسعه بازارهای داخلی با هزینه مقرون به صرفه از بین خواهد رفت. بعلاوه کشور ایران دارای موقعیت منحصر به فرد بوده و این امر جاذبهی ویژه ای برای سرمایه گذاری خارجی دارد. کشور ایران با عضویت در سازمان تجارت جهانی و همگامی با کشورهای واسط به جهت امکان خروج از تحریمهای نا برابر اقتصادی امکان برون رفتی فعال و سریع را خواهد یافت. در نهایت می توان ادعان داشت ساختار اقتصادی با اتکا به اقتصاد رقابتی و توجه به سرمایه های معنوی و ارتقاء کیفیت عرضه محصول و گزینش مطلوب واسط عرضه در بازارهای جهانی و تکیه بر صنایع تبدیلی و دانش بنیان حتی زمینه سرمایه پذیری کشورهای خارجی از همکاری مشارکتی ارباب حرف و دانش را فراهم آورده است.

با نگاهی اجمالی به آنچه که پیش از این تشریح شد و با عنایت به مطالعات صورت گرفته در مراکز معتبر علمی داخل و خارج از کشور همچون مطالعات مرکز پژوهش‌های مجلس (<https://rc.majlis.ir/fa/report>) و مرکز ایران‌شناسی دانشگاه استنفورد ایالات متحده (<https://iranian-studies.stanford.edu/iran-2040-project/home>)، روشن می‌باشد که کشور ایران علیرغم ظرفیت بسیار بالای خود در جذب سرمایه‌گذاری خارجی ضعیف عمل کرده و می‌تواند بسیار بهتر از این عمل کند. خلاصه آنکه عوامل دفع و ریسک‌های برشمرده شده، در طول پنج دهه اخیر بر عوامل جاذب سرمایه‌گذاری غلبه کرده و کشور ایران را از توسعه‌ای که می‌توانست با جذب سرمایه‌های مادی و معنوی اقصی نقاط جهان به دست آورد، دور نگاه داشت است.

پیشنهادهای

پیشنهاد‌نگارندگان این مقاله آن است که با تمرکز بر افق‌گشایی (Paradigme Shift) در ساحت‌های متعدد و مختلف جامعه ایران اعم از سیاست داخلی و خارجی، اقتصاد، فرهنگ و نظام حقوقی راه را برای غلبه عوامل جاذب سرمایه‌گذاری بر عوامل دافع باز کنیم.

در این راستا پیشنهادهای زیر می‌تواند مد نظر قرار گیرد

(<http://www.renani.net/index.php/texts/non-eco-articles/795-2020-04-30-15-37-1>):

در حوزه اقتصاد

- جراحی نظام بانکی و عدم حمایت از بانک‌ها و موسسات مالی نهادهای خاص در فرایند این جراحی
- کاهش سهم نظامیان در شرکت‌های بزرگ اقتصادی و شرکت‌های حاضر در بورس به زیر ۵۰ درصد و حرکت در مسیر کاهش حضور نظامیان در اقتصاد
- انحلال و ادغام نهادهای بلا تکلیف مداخله‌گر در حوزه اقتصاد (بنیادهای تعاون، نهادهای خصولتی، نهادهای اقتصادی وابسته به نظامیان) و...
- توقف تخصیص اعتبار از منابع بودجه عمومی به نهادهای غیرحاکمیتی (نهادهای فرهنگی غیرحکومتی) و(....)
- ایجاد شفافیت در اقتصاد و اجبار نهادهای تولیدکننده اطلاعات به انتشار عمومی ماهانه و سالانه اطلاعات خود

- شفاف سازی و انتشار اطلاعات تمامی سازمانها و شرکت‌های بزرگ وارد کننده محصول از خارج
- الزام اعلام عمومی، شفاف و متمرکز مزایده‌ها و مناقصه‌های مربوط به قراردادهای دولتی با بخش خصوصی و ایجاد رقابت سالم در این زمینه
- انتشار حقوق و تمامی دریافتی‌های مالی مقامات حکومتی از بودجه عمومی، در سطح مدیرکل به بالا در یک سایت معین، که برای نمایندگان مجلس و سایر دستگاه‌های نظارتی قابل رویت باشد
- قطع زمان‌بندی شده حمایت از صنایع انحصاری نظیر خودروسازان، پتروشیمی‌ها ... و

در حوزه سیاست خارجی:

- پذیرش و آغاز رسمی مذاکره با آمریکا به منظور حل مسائل فی‌مابین
- اعزام سفیر ویژه برای مذاکره با کشورهای عربی و اصلاح روابط منطقه‌ای با این کشورها و ...

در حوزه سیاست داخلی:

- اعلام عفو عمومی ایرانیان خارج از کشور که فاقد شاکی خصوصی هستند.
- برگزاری رفراندوم قانون اساسی به منظور اصلاح برخی مواد مورد اختلاف و ...

در حوزه اجتماعی و فرهنگی:

- آشتی با چهره‌های فرهنگی (سرمایه‌های نمادین) حوزه موسیقی و سینما و ادبیات که پیش از این از فعالیت آنها جلوگیری شده
- اجازه فعالیت و حمایت از فعالیت آزادانه سمن‌ها در حوزه‌های مختلف
- اعلام عفو برای کارمندان دستگاه اداری که مرتکب فساد مالی شده‌اند، مشروط به آن که خودشان داوطلبانه اعلام و جبران کنند و تصویب قوانین بسیار سخت برای مفسد مالی کشف شده پس از آن.

در حوزه حقوقی:

- تسهیل تبدیل ارز سرمایه‌گذاران از هر تابعیتی به ارزهای به اصطلاح قابل تبدیل (ارزهای معتبر جهانی)
- روزآمد کردن قواعد مالکیت خصوصی به ویژه در حوزه اموال غیر منقول

- الزام حقوقی تمامی نهادهای حاکمیتی به کاهش اعمال تصدی‌گری
- اصلاح حقوقی موازی کاری‌های نهادهای حاکمیتی از طریق اصلاح قانون اساسی

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- اخلاقی، بهروز (۱۳۷۹)، «سخنی درباره آینده سرمایه‌گذاری در ایران؛ بررسی اجمالی علل و موانع پیشرفت»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۴۷.
- ۲- بامری، مسلم (۱۳۹۷)، «برجام و تاثیر آن بر مناسبات اقتصادی ج.ا. ایران»، *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، س ۳، ش ۳۰.
- ۳- پورسعید، بهزاد (۱۳۸۰)، *سرمایه‌گذاری خارجی در بعد امنیت اقتصادی*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- ۴- پیران، حسین (۱۳۸۹)، *مسائل حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی*، چ ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶)، *مبسوط در ترمینولوژی*، ج ۳، چ ۳، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۶- جمالی، احمد و دیگران (۱۳۸۹)، *سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: مفاهیم، تئوری و روش‌ها*، چ ۱، تهران: انتشارات آبگین رایان.
- ۷- جمالی، احمد و دیگران (۱۳۹۴)، «شناسایی و طبقه‌بندی عوامل تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران»، *فصلنامه سیاست‌گذاری اقتصادی*، ش ۱۳.
- ۸- حاتمی، علی و کریمیان، اسماعیل (۱۳۹۳)، *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری*، چ ۱، تهران: انتشارات تیسرا.
- ۹- خلیلی عراقی، منصور (۱۳۹۳)، «رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه مالی و رشد اقتصادی: مطالعه موردی؛ کشورهای منتخب آسیایی»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، س ۲۲، ش ۷۱.
- ۱۰- داوودی، علی (۱۳۸۳)، «بازشناسی عوامل موثر بر جذب FDI در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ش ۲۰.
- ۱۱- رشیدی، علی (۱۳۷۵)، «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ممالک در حال توسعه و راه‌های حفظ آن»، *مجله نامه اتاق بازرگانی*، ش ۱.
- ۱۲- ریاحی، غلامرضا (۱۳۷۸)، «قواعد حاکم بر جلب سرمایه‌گذاری خارجی»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مدیریت*، دانشگاه تهران.

- ۱۳- زهی، نقی و دیگران (۱۳۸۴)، سرمایه‌گذاری و روش‌های تامین منابع مالی خارجی، تبریز: سازمان امور اقتصادی و دارایی آذربایجان شرقی.
- ۱۴- سپهری یگانه، مهدی (۱۳۸۸)، «بررسی ابعاد حقوقی سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد تجاری صنعتی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۵- سعیدی، علی (۱۳۸۹)، «بررسی موانع عمده سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از دیدگاه سرمایه‌گذاری خارجی»، پژوهشنامه اقتصادی، س ۱۱، ش ۲.
- ۱۶- سلیمانی پویا، فرشته (۱۳۸۹)، «بررسی ساختار حقوقی شرکت‌های چندملیتی»، پایان‌نامه کارشناسی-ارشد حقوق اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۷- شاپیرا، ژان (۱۳۷۱)، حقوق بین‌الملل بازرگانی، مترجم: ربیعا اسکینی، تهران: انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی.
- ۱۸- شاوردی، مرضیه (۱۳۸۵)، «عوامل موثر بر جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در صنعت پتروشیمی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۹- شهبازی، نصیر (۱۳۸۱)، ایران و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه تهران.
- ۲۰- عمادزاده، محمد کاظم (۱۳۸۶)، «موانع حقوقی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی»، مجله سیاسی-اقتصادی، ش ۲۴۴.
- ۲۱- قاسمی، جعفر (۱۳۸۶)، «موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۲- قامت، جعفر (۱۳۹۰)، «بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اثرات آن در جذب سرمایه‌گذاری خارجی»، فصلنامه دانشنامه واحد علوم و تحقیقات، ش ۱۴.
- ۲۳- کلانتری بنگر، محسن (۱۳۸۳)، «شناسایی عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران»، نشریه پژوهش‌های سیاست‌های اقتصادی.
- ۲۴- موسسه تدبیر اقتصاد (۱۳۸۳)، سرمایه‌گذاری خارجی (فرصت‌ها، چالش‌ها)، تهران: انتشارات تدبیر اقتصاد.
- ۲۵- مهدوی، ابوالقاسم (۱۳۸۴)، رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل.
- ۲۶- هادی زوز، بهروز (۱۳۷۹)، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، چ ۱، تهران: انتشارات فروزان.
- ۲۷- هژبر کیانی، کامبیز (۱۳۸۵)، «تخمین تابع عرضه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، ش ۲۲.
- ۲۸- نیلی، مسعود (۱۳۸۲)، «جزوه درس مبانی اقتصاد»، دانشگاه صنعتی شریف.
- ۲۹- یلفانی، امیر و دیگران (۱۳۹۵)، «بررسی اثرات و پیامدهای تحریم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و رابطه اقتصاد مقاومتی با کاهش اثرات منفی تحریم»، ماهنامه شباک، س ۲، ش ۲.

لاتین:

- 1- Bradlow, Daniel and Alfred Escher (2000). Legal Aspects of Foreign Direct Investment, London, Boston: Kluwer Law International.
- 2- Miyo, Sornarajah (2010). The International Law in Foreign Investment, Third Edition, Cambridge University Press.
- 3- Moosa, Imad (2002). Foreign Direct Investment, Theory, Evidence and Practise, Palgrave Macmillan.
- 4- Wafo, Kamga (1998). Political Risk and Foreign Direct Investment, Faculty of Economic and Statistics, University of Konstanz.
- 5- Thompson, Graham (2002). A Globalizing World, In Chapter 3, Economic Globalization